

مقدمه ای بر علوم قرآنی

حسن خرقانی

قرآن کریم به عنوان محور اساسی فرهنگ و تمدن اسلامی که به همراه سنت، هسته اصلی دین اسلام و علوم و معارف آن را تشکیل می دهند، به تناسب شرایط و فرصت های فراهم آمده و گرایش های دانش پژوهان، همواره مورد بحث و بررسی قرار داشته است. ثمره این کار، پیدایش و پیشرفت دانش های مختلفی بوده است که یا در پرتو مستقیم قرآن نشأت و تطور یافته اند و یا قرآن مجید به گونه ای در توسعه و پیشرفت آنها نقش اساسی داشته است.

قرآن مجید سرمنشأ بیشتر علوم و هنرهای اسلامی است؛ علمی مانند صرف، نحو، لغت و علوم بلاغت، پیدایش و تکامل خود را وامدار قرآن کریم هستند، فقه و اصول به گونه مستقیم ریشه در قرآن دارند و تأثیر قرآن در اخلاق، کلام، فلسفه، عرفان و تاریخ نیز آشکار است. در این می ان، برخی از علوم، خاص قرآن مجید هستند که به بحث و کنجکاوی پیرامون الفاظ و معانی آن می پردازند و بدون وجود قرآن موضوعیت خود را از دست می دهند؛ مانند تفسیر و علوم قرآنی.

و از سوی دیگر قرآن مجید از علم تجلیل کرده و مردمان را به فراگیری تمامی علمی که در دسترس فکر انسانی بوده و آموختن آنها به نفع جهان بشری و سعادت بخش جامعه انسانی است، دعوت می نماید. ۱

دانش های مرتبط با قرآن

دانش هایی را که در ارتباط مستقیم با قرآن کریم قرار دارند یا در فهم بهتر قرآن و دریافت مفاهیم و آموزه های آن، از آنها می توان بهره جست، در سه گروه می توان دسته بندی کرد:

۱. دانش های مقدمه ای

این دسته شامل علمی می شود که گرچه به طور مستقیم درباره قرآن بحث نمی کنند، اما فراگیری آنها مقدمه و پیش نیاز بهره مندی از متن قرآن و یا فهم عمیق تر و بهتر معارف و مضامین آن است و آمادگی گام نهادن در وادی تفسیر را فراهم می سازد.

از آن رو که قرآن مجید به زبان عربی شیوا و رساست، بی گمان علوم ادب عربی همانند صرف، نحو، لغت و علوم بلاغت، کمک کار دریافت بهتر قرآن خواهند بود و فراگیری آنها برای غیر عرب زبانان ضروری به نظر می رسد. فراگیری علوم دیگری همچون اصول فقه، منطق، عرفان، فلسفه و آگاهی بر تاریخ اسلام و مانند آن توان قرآن پژوه را در استفاده بهتر از قرآن افزایش می دهد. و با توجه به آیات فراوانی از قرآن که بیانگر پدیده های طبیعی و رمز و راز آفرینش هستند، آگاهی بر علوم طبیعی و تجربی و نیز دستاوردهای دانش نوین، نقش بسزایی در عرصه تفسیری ایفا می کند. به طور کلی می توان گفت که به هر اندازه دایره دانسته های انسان افزون تر باشد، امکان بیشتری برای پی بردن به دقت ها و ظرافت های قرآن خواهد داشت.

۲. دانش های درون قرآنی

گاه به قرآن کریم از زاویه دانش ها، پیام ها و آموزه های آن نگریده می شود که بر اساس بیان صریح خود قرآن و اعتقاد جازم ما مسلمانان، هیچ چیزی را که انسان در هدایت و سعادت خود بدان نیازمند باشد، فروگذار نکرده است، و با دارا بودن مفاهیم و نکته های فراوان، همواره در بستر تاریخ پویا، در صحنه و پاسخگو به نیازهای زمان خواهد بود.

بهره مندی از این اقیانوس موج و شناخت گوهرهای علوم و معارف آن نیاز به تلاشی ژرفکاوانه دارد که تفسیر موضوعی و مباحث آموزه ای و معارفی قرآن عهده دار آن هستند. این بخش در عصر حاضر اهمیت فزون تری یافته است و بایسته است که معارف قرآنی در قالبی استوار و گویا همراه با آمیزه های تطبیقی و کاربردی و متناسب با نیازها و رویکردهای عصر، ارائه گردد تا نقش هدایت گری و سازنده قرآن کریم باز یافته شود.

آنچه کار تفسیری به صورت موضوعی را ضرورت می بخشد، ساختار معنایی قرآن است به گونه ای که برخی آیات، برخی دیگر را تفسیر می کنند و آگاهی از دیدگاه قرآن نسبت به یک موضوع، آن گاه میسر است که تمامی آیات ناظر به آن موضوع گردآوری گردد تا با پرتوافکنی آیات بر یکدیگر، ابعاد و جوانب آن قضیه و نظرپروردگار درباره آن تبیین شود.

۳. دانش های قرآن محور

گاه خود قرآن مجید که رساننده پیام آسمانی است موضوع و محور بحث و کاوش قرار می گیرد و ویژگی ها و ابعاد گوناگون آن پژوهش و پردازش می شود. این بخش از دانش های قرآنی که موضوع بحث در آنها قرآن مجید است و دربرگیرنده مباحث و دانش های گوناگونی است، علوم قرآنی نام گرفته است. این اصطلاح در زبان فارسی بیشتر به همین صورت ترکیب وصفی به کار برده می شود، اما در عربی به صورت ترکیب اضافی (علوم القرآن) استعمال می شود.

تفاوت این دسته از دانش ها با نوع اول در آن است که گرچه از هر دو در راستای درک و فهم معانی و تفسیر قرآن بهره گرفته می شود، اما در بخش نخست، موضوع بحث قرآن کریم نیست، بلکه هر کدام از آن دانش ها موضوع و مسائل ویژه خود را دارند، ولی علوم قرآنی به بررسی مستقی م خود قرآن می پردازد و مسائل آن پیرامون ابعاد گوناگون قرآن متمرکز است.

تفاوت علوم قرآنی با گروه دوم که معارف قرآنی باشد نیز در آن است که گرچه هر دو درباره قرآنند، اما معارف قرآنی آموزه ها و مفاهیم قرآن را مورد بررسی قرار می دهد، ولی علوم قرآنی جنبه های گوناگون خود این کتاب الهی را مطالعه می کند. از مجموع این دانش های سه گانه به ترتیب می توان با عنوانهای (علوم للقرآن) (علوم فی القرآن) و (علوم حول القرآن) یاد کرد.

در نوشته حاضر در پی شناسایی علوم قرآنی و آگاهی بر گستره، سیر تاریخی و منابع آن هستیم.

اصطلاح علوم قرآنی و تعریف آن

علوم قرآنی در معنای لغوی و اضافی و اولیه خود دایره ای وسیع داشته است که تمامی علوم دینی و عربی را به گونه ای با قرآن ارتباط دارند، شامل می شده است. ۲

این تعریف در میان گذشتگان رایج بوده است و سپس از این معنای اضافی نقل داده شده و نام و عنوانی برای فن مدوّتی قرار گرفته است که امروزه از این اصطلاح می فهمیم و در قسم سوم از دانش های سه گانه یاد شده منحصر است.

در تعریف علوم قرآنی این گونه می توان گفت که:

مجموعه ای از مباحث است که موضوع و محور آنها قرآن کریم است و ابعاد گوناگون آن را مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد.

پیش از شرح تعریف یادشده به برخی از تعریف های ارائه شده درباره علوم قرآن که در کتاب های مربوطه آمده است، اشاره می کنیم:

زرقانی در (مناهل العرفان) می نویسد، ممکن است علوم قرآنی را این گونه تعریف کنیم:

(انه مباحث تتعلّق بالقرآن الکریم من ناحیة نزوله و ترتیبه و جمعه و کتابته و قراءته و تفسیره و

اعجازه و ناسخه و منسوخه و دفع الشبهه عنه و نحو ذلك.) ۳

دکتر صبحی صالح در کتاب خود که (مباحث فی علوم القرآن) نام دارد می نویسد:

(فهذه العلوم فی نظرهم، عبارة عن مجموعة من المسائل، يبحث فیها عن احوال القرآن الکریم من

حيث نزوله و ادائه و کتابته و جمعه و ترتیبه فی المصاحف و تفسیر الفاظه و بیان خصائصه و

اغراضه.) ۴

مناع القطان نیز علوم قرآنی را چنین تعریف می کند:

(و المراد بعلوم القرآن، العلم الذی يتناول الابحاث المتعلقة بالقرآن من حيث معرفة اسباب النزول و

جمع القرآن و ترتیبه و معرفة المکی و المدنی و الناسخ و المنسوخ و المحکم و المتشابه الی غیر

ذلک مما له صلة بالقرآن. و قد یسمى هذا العلم باصول التفسیر لانه يتناول المباحث التي لا بدّ

للمفسّر من معرفتها للاستناد اليها فی تفسیر القرآن.) ۵

در کتاب های دیگری مانند (فی رحاب القرآن) و (محاضرات فی علوم القرآن) نیز تعریف های

مشابهی ارائه شده است. ۶

در تمامی این تعریف ها دو عنصر مشترک وجود دارد؛ نخست این که علوم قرآنی مجموعه ای از

مباحث، مسائل و یا علمی است که در ارتباط با قرآن کریم اند و از احوال و زاویه های گوناگون آن

بحث می کنند و سپس ذکر نمونه هایی از علوم قرآنی تا تعریف روشن تر گردد.

برای روشن شدن تعریف علوم قرآن، لازم به توضیح است که قرآن دارای ابعاد و جوانب چندی است

که با هریک از آنها موضوع مبحث خاصی از مباحث علوم قرآن قرار می گیرد:

از آن جهت که کلامی است که ما را به مقصود خداوند متعال دلالت می کند، موضوع علوم (تفسیر)

قرار می گیرد که در آن علم، معانی و مقاصد قرآن و مدلولات الفاظ آن شرح داده می شود. قرآن به

عنوان یکی از مصادر تشریح و قانون گذاری موضوع علم (آیات الاحکام) و به عنوان دل یل و سند

نبوت موضوع (اعجاز القرآن) است. از جهت ارتباط با حوادث معینی که در عصر نزول آن اتفاق

افتاده موضوع (اسباب النزول) و به اعتبار خواندنی بودنش موضوع (علم قراءت و تجوید)، و به اعتبار

نوشتنی بودنش موضوع (علم رسم الخط) قرار می گیرد و... ۷

بنابراین علوم قرآنی یک علم نیستند، بلکه مجموعه ای از علوم هستند که از جهت موضوع که قرآن باشد با هم مشترکند، اما در حیثیت و بعدی که از قرآن لحاظ می کنند با یکدیگر تفاوت دارند. این نکته قابل توجه است که علومی مانند نحو و بلاغت در علوم قرآنی داخل نیستند؛ زیرا موضوع علم نحو به عنوان مثال، کلمه و کلام به طور مطلق است، نه کلمه و کلامی که در قرآن به کار رفته است.

اما علومی که از آن دو برگرفته می شود، مانند: (اعراب القرآن)، (بدیع القرآن) و (تشبیهات القرآن) از علوم قرآنی محسوب می شوند؛ زیرا به طور مستقیم به بحث درباره قرآن می پردازند. علم در اصطلاح نویسندگان علوم عبارت از مجموعه مسائلی است که درباره موضوعی معین و کلی بحث کرده و حالات و احکام و عوارض ذاتی و اختصاصی آن موضوع را مورد بررسی قرار می دهد و قرآن کریم با دارا بودن گستره ای بیش از شش هزار آیه در حجمی معادل ۶۰۰ صفحه که فزون بر ظاهر دارای عمق و باطن نیز هست و با توجه به جایگاه محوری و والایی که در میان مسلمانان دارد، به خوبی صلاحیت آن را دارد که موضوع برای علم بلکه علوم متعدد قرار گیرد، از این رو برای اطلاق علم بر مباحث پیرامون آن، نیازی به چاره جویی هایی همچون مشترک معنوی و کلی دانستن آن نیست ۸ و در این جهت نمی توان آن را با اصطلاح ها و واژه های دیگر سنجید. از میان مجموعه مباحث علوم قرآنی، برخی حجم بیشتری داشته و عنوان علم نیز بر آنها اطلاق شده است و تألیفات مستقلی نیز درباره آنها انجام گرفته است، مانند: اسباب نزول، ناسخ و منسوخ، قراءت، آداب القرآن، بدیع القرآن و اعجاز؛ اما انواعی نیز وجود دارند که در حجمی محدود مورد بحث قرار گرفته اند و صدق عنوان علم بر آنها، چندان مناسب و مرسوم نیست، بلکه به عنوان مبحثی از زیر مجموعه علوم قرآنی محسوب می شوند.

شمار علوم قرآنی و فهرست بندی های آن

چنانچه گذشت عنوان علوم قرآنی شامل مجموعه مباحث مختلفی می شود. این مجموعه حد معین و فهرست ثابتی در میان کتاب های علوم قرآنی ندارد، چرا که اندیشوران این عرصه با توجه به زمینه ها و گرایش هایی که داشته اند، هر کدام به بخشی از این مجموعه رویکرد داشته اند، گاه یک مبحث، گاه چندین مبحث، و گاه تمامی مباحث موجود در زمان خود را مطرح کرده اند. البته برخی مباحث محوری و مهم مانند نزول قرآن، قراءت، اعجاز، محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ در بیشتر کتاب ها مورد بحث قرار می گیرند. در شمار دانش های مطرح شده در کتاب های علوم قرآن به رقم های زیر برمی خوریم:

۵ نوع، المرشد الوجیز، ابوشامه

۱۷ نوع، مناهل العرفان فی علوم القرآن، عبدالعظیم زرقانی

۳۰ نوع، دراسات فی علوم القرآن، محمدبکر اسماعیل

۴۷ نوع، البرهان فی علوم القرآن، بدرالدین زرکشی

۸۰ نوع، الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین سیوطی

یکی از نکاتی که در شمارش و شمار این علوم تأثیر دارد، ادغام برخی از مباحث در یکدیگر یا جداسازی آن از سوی مؤلفان علوم قرآن است.

سیوطی پس از بیان فهرست الاتقان می نویسد، این ۸۰ نوع را اگر بخواهم به انواع بیشتری تبدیل نمایم و مباحثی را که در یکدیگر داخل شده بگشایم، بیش از ۳۰۰ نوع خواهد شد. ۹ دلیل آن که کتاب التحبیر وی با وجود حجم کم، انواعش بیش از الاتقان است همین جداسازی برخی از انواع است.

این سخن سیوطی در حالی است که برخی مواردی را که زرکشی در البرهان در ذیل یک نوع یاد کرده، سیوطی در الاتقان برای آن چندین نوع ترتیب داده است، مانند مباحث مربوط به نزول و مکی و مدنی که سیوطی آنها را در ۱۶ نوع در اول الاتقان سامان داده است.

افزون بر آنچه یاد شد در بخش دیگر از کتاب های علوم قرآنی، فصل بندی ها، باب بندی ها و جزء و مجلد بندی های گوناگون وجود دارد که نمونه هایی از آن گزارش می شود:

کتاب التمهید فی علوم القرآن، تألیف استاد معرفت در شش جلد که جلد نخست آن به بحث وحی و مباحث تاریخ قرآن، جلد دوم آن، به بحث قراءات و ناسخ و منسوخ، و جلد سوم آن به بحث محکم و متشابه می پردازد. سه جلد دیگر آن نیز درباره اعجاز قرآن است. گرچه در ظاهر به نظر می رسد که در این کتاب فقط چند مبحث کلی به شکل گسترده به مورد بررسی قرار گرفته، اما گاه در یک مبحث چندین مورد از علوم قرآن نهفته است، مانند جلد نخست که شامل مباحث نزول قرآن، اسباب نزول، مکی و مدنی، جمع و تدوین قرآن و مواردی دیگری می شود، و نیز جلد پنجم آن که اعجاز بیانی است، شامل بسیاری از علوم قرآنی - ادبی می شود.

کتاب (علوم القرآن) تألیف استاد سید محمد باقر حکیم در چهار بخش سامان یافته که به ترتیب زیر هستند:

بخش اول که (موضوعات عامه حول القرآن) عنوان گرفته از مقدمه ای درباره تعریف قرآن و اسامی آن، علوم قرآنی و تاریخ آن و تشویق و تدبیر در قرآن شروع شده و سپس به بحث های نزول قرآن، اسباب نزول، هدف از نزول قرآن، مکی و مدنی و ثبوت نص قرآنی می پردازد.

بخش دوم با تیترا (ابحاث فی القرآن) شامل اعجاز قرآن، پاسخ به شبهاتی درباره وحی، محکم و متشابه و نسخ می شود.

بخش سوم درباره تفسیر و مفسران، و بخش چهارم درباره تفسیر موضوعی و نمونه هایی برای آن است.

کتاب دیگری که حجمی نزدیک به الاتقان دارد، (هدی الفرقان فی علوم القرآن) نوشته دکتر غازی عنایت استاد دانشگاه علوم اسلامی امیر عبدالقادر در الجزایر است. این کتاب در چهار جزء و دو مجلد تدوین شده است و شامل بسیاری از مباحث علوم قرآنی می شود که در هر جزء به تعدادی از آنها می پردازد.

برای آن که سخن به درازا نکشد به آنچه یاد شد بسنده می‌کنیم. با توجه به پرسش‌ها و شبهات گونه‌گونی که پیوسته درباره قرآن مطرح می‌شود این دایره متغیر علوم قرآن را نمی‌توان بسته دانست، بلکه با گذر زمان مسائل دیگری نیز به علوم قرآنی افزوده می‌گردد، مانند بحث ز بان قرآن، رابطه قرآن با فرهنگ زمانه و مانند آن که امروزه مطرح شده است.

گستره علوم قرآنی و دسته‌بندی‌ها

همه مباحث علوم قرآنی در حیطه دانش‌های متعددی مانند لغت، نحو، بلاغت، اصول فقه و تفسیر می‌گنجند، از این رو تبخّر داشتن در تمامی دانش‌های قرآنی نیازمند آگاهی کافی در یکایک این دانش‌ها و آشنایی با روش تحقیق در آنهاست و به آسانی برای هر فرد میسر نمی‌شود که بتواند تمامی این تخصص‌ها را دارا باشد.

از سوی دیگر به اعتبار آن که بخشی از مباحث علوم قرآنی با روایات و اسناد تاریخی سر و کار دارد، آشنایی به علوم حدیث، مانند رجال و درایه نیز در مباحث قرآنی مورد نیاز است. در بحث اعجاز قرآن که حیطه گسترده‌تری دارد، فزون بر آنچه یاد شد بهره‌مندی از دانش‌های نوری و دارا بودن زمینه‌ای مناسب برای مطالعه در آنها بایسته می‌نماید.

حال برای آن که مروری بر فهرست مباحث علوم قرآنی شده باشد و تصویری از کلیات آن را پیش رو داشته باشیم، تقسیم ذیل پیشنهاد می‌گردد که در آن علوم قرآنی دسته‌بندی شده و هر یک در زیرمجموعه دانش متناسب و مربوط با آن جای گرفته‌اند. در این طرح استقصای کامل انواع علم و قرآن در نظر نبوده است گرچه سعی شده که عمده مباحث یاد شود:

۱. دانش‌های لغوی - قرآنی

- واژه‌های دشوار و نامأنوس در قرآن که از آن تعبیر به (غریب القرآن) می‌شود.

- واژه‌های بیگانه و غیرعربی دخیل در قرآن یا (معربّات)

- لغات غیر حجازی در قرآن

- وجوه و نظائر یا کلماتی که در قرآن کریم در معنی‌ها و مصداق‌های گوناگون به کار رفته‌اند.

۲. دانش‌های صرفی - قرآنی

- دانش تجوید که مباحث آن بیشتر، از علم صرف گردآوری شده است.

نوع ۱۹ از کتاب (البرهان) زرکشی (معرفةً تصریفه) عنوان دارد و انواع ۳۱، ۳۲ و ۳۳ الاتقان به مباحثی مانند: ادغام، مدّ و قصر و تخفیف همزه، اختصاص دارد که مباحث صرفی و تجویدی است.

۳. دانش‌های نحوی - قرآنی

- اعراب قرآن

- ادواتی که مفسر بدانها نیازمند است.

۴. بحث‌های بلاغی - قرآنی، شامل علوم سه‌گانه: معانی، بیان و بدیع

- مقدم و مؤخر در چینش الفاظ قرآن.

- ایجاز و اطناب، حصر و اختصاص، خبر و انشاء و مانند آن.

- مجاز، استعاره، تشبیه، کنایه و تعریض در قرآن.

- بدیع القرآن.

- اعجاز، بحث اعجاز قرآن به اعتبار آن که بیشتر به اعجاز بیانی می پردازد، در حیطة بلاغت داخل می گردد.

۵. بحث های اصولی - قرآنی

- حجیت ظواهر قرآن

- عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین، ناسخ و منسوخ، مفهوم و منطوق و مباحثی از این دست که از مباحث اصول فقه هستند.

۶. دانش های تاریخ قرآنی

مباحثی مانند نزول قرآن و به عنوان مقدمه بحث (وحی)، مکی و مدنی، اسباب نزول، جمع و تدوین قرآن، قراءت، رسم الخط و تحریف در این قسم می گنجند.

بنابر روش گذشتگان مانند زرکشی و سیوطی و بسیاری از مؤلفان علوم قرآنی، مسائل تاریخ قرآنی داخل در علوم قرآنی است و به شکل مستقلی مطرح شده است، اما اکنون گاه حالت استقلالی به خود گرفته و جدای از دیگر دانش های قرآنی مطرح می شود و در برنامه های دانشگاهی نیز به عنوان واحد مستقل در کنار علوم قرآن تدریس می شود.

۷. دانش های تاریخ تفسیری

مبادی و مقدمات دانش تفسیر، سیر تاریخی تفسیر و تطورات آن، مبانی و روشهای تفسیری و شناسایی تفاسیر و مفسران نیز در بسیاری از نگاشته ها، آمیخته با سایر مباحث علوم قرآنی مورد بررسی قرار گرفته اند، اما اکنون سرنوشتی نظیر تاریخ قرآن یافته اند و با عنوان (تاریخ تفسیر)، دانشی دیگر به شمار می آیند که خود دارای کتاب هایی گسترده و جداگانه است. البته این نکته را از نظر نباید دورداشت که سازگاری مباحث تاریخ تفسیری با سایر مباحث علوم قرآنی به مراتب کمتر از مباحث تاریخ قرآنی است و با توجه به گستردگی سزاوار آن است که جداگانه باشد.

۸. موضوعات تفسیری

بنابر تعریف علوم قرآن، تفسیر را یکی از زیرمجموعه های آن می توان دانست که از علوم قرآنی جدا گشته و به عنوان دانش گسترده و مستقل در کنار آن، به شناخت معانی آیات قرآن می پردازد و دیگر به دشواری می توان آن را جزئی از علوم قرآن شماره کرد، گرچه مقدمات تفسیر، گاه از مباحث علوم قرآن به حساب می آید.

با وجود این، دانش های چندی از خانواده علوم قرآن یافت می شوند که می توان آنها را گونه ای بحث تفسیری دانست. در ذیل نمونه هایی فهرست می شود:

- محکم و متشابه

- ناسخ و منسوخ

- تناسب آیات و سور

- فواتح و خواتیم سور

- مبهمات قرآن

- آیات متناقض نما

- آیات همانند (الآیات المتشابهات)

- سوگندهای قرآن

- جدل و استدلال در قرآن

مسائلی مانند فضیلت و اهمیت قرآن، آداب تلاوت آن، جایگاه و نقش آن در زندگی مسلمانان، نام ها و صفات قرآن، آیه، سوره و نام های سوره ها و...، مباحثی مقدماتی هستند که پیش از ورود به علوم قرآنی باید مطرح گردند. البته اکنون برخی از این امور به مناسبت در تاریخ قرآن طرح می شوند.

جایگاه و ارزش علوم قرآنی

همان گونه که علم تفسیر را به اعتبار موضوع، غرض و نیازمندی به آن، شریف ترین و گرانقدرترین علوم اسلامی می شمرند چرا که موضوعش قرآن، غرضش هدایت و سعادت انسان، و مورد نیاز در هر کمال دنیوی و اخروی است ۱۰، علوم قرآنی نیز از جایگاهی این چنین والا برخوردار خواهد بود؛ زیرا موضوع آن قرآن کریم است و آن گونه که در روایات وارد شده ثقل اکبر بوده و بعد از خداوند متعال برترین چیز است و علوم قرآنی برای شناسایی این کتاب آسمانی و روشن ساختن راه بهره مندی از زلال معارف و فرهنگ والای آن ظهور یافته و سیر تکاملی خویش را می پیماید.

مباحث علوم قرآن را مقدمه و پیش نیاز تفسیر آن می دانند که به مانند کلیدی، رهیابی به اعماق این دریای ژرف را برای مفسر آسان می سازد، زیرا دریافت بهتر معانی قرآن بعد از آن است که آن را خوب شناخته و بر ویژگی ها و شیوه پیام رسانی آن آشنا باشیم.

البته به خاطر تنوع و تعدد علوم قرآن، نباید همه را در یک مرتبه از اهمیت دانست، بلکه برخی مباحث و گاه در یک مبحث، برخی مسائل، از حساسیت و اهمیت بالاتری برخوردار خواهند بود. به عنوان نمونه وحیانی و معجزه بودن، تحریف ناپذیری و گردآوری و تدوین قرآن از جمله مسائل پایه ای هستند که بر مسائلی مانند شناخت واژه های غیر مجازی یا دخیل در قرآن مقدم خواهند بود.

علوم قرآنی نه تنها زمینه ساز تفسیر است بلکه بسیار اتفاق می افتد که خود نیز تفسیر قرآن و آشنایی با ظرافت ها و لطایف آن است؛ زمانی که از اسباب نزول، محکم و متشابه و یا ناسخ و منسوخ و مانند آن گفت و گو می شود، در ذیل نمونه های آنها دانش پژوه با تفسیر برخی آیات آشنا خواهد شد، یا آن گاه که مباحثی مانند تناسب آیات و سوره، تقدیم و تأخیر در الفاظ قرآن و آیات همانند، مطرح می شود، انسان با دقایق و نکات ناگفته در تفسیر مواجه است.

از دیگر فایده های علوم قرآنی ایجاد آمادگی دفاع توانمندانه از حریم مقدس این کتاب الهی و زمینه سازی پاسخگویی به شبهه ها و اشکال های مطرح شده درباره آن است. همان گونه که هر موضوعی نیاز به متخصص دارد، قرآن کریم هم نیازمند متخصصانی آگاه در ابعاد مختلف آن است که با آگاهی از اندوخته های علمی و فکری پیشینیان و با استفاده از بهره و توان خدادادی در راه شناختن و شناساندن قرآن و نشر معارف و آموزه های آن در قالبی مناسب با زمان، کوشا باشند و از

پرسش‌ها و شبهات غرض ورزان جواب گویند، و البته خود قرآن نیز مدد رسان جویندگ ان معارف و پویندگان راه خود خواهد بود که (والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا...) (افزون بر آنچه گفته شد بر هر یک از علوم قرآن فایده ای خاص و متناسب با جنبه ای که مورد بحث قرار می دهند، مترتب است که در کوتاه سخن نمی توان بیان کرد.

تاریخچه تدوین علوم قرآنی

پرداختن به تعلیم و تعلم، قراءت، حفظ، کتابت و تفسیر قرآن از همان دوران رسول اکرم و پیش تر از سایر علوم، مانند فلسفه، علوم تاریخ، علم حدیث و فقه و... بوده است. بنابراین در گام نخست محتوای برخی از علوم قرآن به صورت شفاهی وجود داشته است، بدون اینکه نام این علم را به همراه داشته باشد یا اثری در آن تدوین گردد.

با گذر از دوران چشمه فیاض نبوت و معلم بزرگ قرآن، اشتغال به شؤون مختلف قرآن حالت رسمی تر به خود گرفته و افرادی که همت خود را در این زمینه مصروف می داشتند، شاخص تر شدند. در سیر علوم قرآن به دورانی می رسیم که نخستین تألیفات در زمینه دانش های گوناگون قرآنی به صورت جدا از هم و بدون آن که در زیر عنوان (علوم قرآن) جای گرفته باشند، نگاشته شدند. آغاز تدوین در علوم قرآن به دوران تابعان و قرن دوم و حتی آخر قرن اول هجری باز می گردد که تألیفاتی در قراءت، اعراب القرآن، اسباب النزول، نسخ و منسوخ و تفسیر تدوین شدند.

به عنوان نمونه می توان از کتاب یحیی بن یعمر (م ۸۹) در قراءت، تفسیر منسوب به سعید بن جبیر (م ۹۵)، کتابی در (قراءت) و کتاب دیگری به نام (معانی القرآن) از ابان بن تغلب (م ۱۴۱) از شاگردان امام سجاد (ع)، و کتاب مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۰) در وجوه و نظائر یاد کرد.

اگر این دوران را گام دوم بدانیم، در گام سوم که به قرن سوم هجری بر می گردد، برخی مفسران، دسته ای از علوم قرآن را در مقدمه یا لابلای تفاسیرشان گردآوری کردند، در این میان از تفسیر طبری می توان نام برد که در مقدمه آن نه مورد از علوم قرآن آمده است. همچنین در جوامع حدیثی مانند اصول کافی و صحیح بخاری بابی به قرآن اختصاص داده شده که در ضمن آن انواعی از علوم قرآن روایت شده است. در این دوران نیز نام (علوم قرآن) بر این مجموعه اطلاق نمی شد. در گام چهارم، دانش های مربوط به علوم قرآن با این عنوان به رشته تحریر درآمد. در این مرحله میان علوم قرآنی و علم تفسیر که جزئی از علوم قرآن بود جدایی افتاد و هر کدام به شکل مستقلی رخ نمودند.

درباره زمان پیدایش اصطلاح جدید علوم قرآن و مرزبندی آن، نظرات گوناگونی ارائه شده است، بیشتر دانشمندان این امر را مربوط به قرن ۶ تا ۷ و بعد آن می دانند. در آن زمان ابن جوزی (م ۵۹۷) دو کتاب را به نام های (فنون الأفتان فی عیون علوم القرآن) شامل ده نوع از انواع علوم قرآن و (المجتبی فی علوم القرآن) تألیف کرد.

و پس از آن کتاب های (جمال القراء و کمال الإقراء) سخاوی (م ۶۴۳) و (المرشد الوجیز) ابوشامه (م ۶۶۵) قرار دارند.

زرقانی با استناد به کتاب (البرهان فی علوم القرآن) اثر حوفی (م ۴۳۰) که بدان دست یافته است آغاز تدوین این فن را شروع قرن پنجم هجری می‌داند. ۱۱ برخی در نقد نظر زرقانی این کتاب را مربوط به تفسیر می‌دانند. ۱۲

نویسنده کتاب (درآمدی بر علوم قرآنی) با توجه به کاربرد عنوان (علوم قرآن) در کتاب (الفهرست) ابن ندیم که تاریخ آن اواخر قرن چهارم است، و کتاب (الحاوی فی علوم القرآن) از محمد بن خلف بن مرزبان (م ۳۰۹) و کتاب (الرغیب فی علوم القرآن) از واقدی (م ۲۰۷) این گ‌ونه نتیجه گیری می‌کند که شاید بتوان گفت با اینکه اصطلاح علوم قرآنی در اواخر قرن دوم پدید آمده است، ولی چون عنوان رایجی نبوده و به صورت نام علمی خاص در نیامده بوده است، بنابر این بهتر است پیدایش عنوان علوم قرآن را برای اولین بار، اواخر قرن چهارم بدانیم. ۱۵

(البرهان فی علوم القرآن) تألیف بدرالدین زرکشی (م ۷۹۴) اولین کتاب جامع در علوم قرآن شمرده می‌شود که نگارنده آن با تلاش گسترده و بهره مندی از کتاب های پیشینیان خود، تمامی علوم قرآنی را در ضمن ۴۷ نوع گردآوری کرد.

کتاب مهم دیگری که توانست با بهره مندی فراوان از (البرهان) و سامان بخشی نیکو به علوم قرآنی از او پیشی گیرد و مهم ترین مرجع در این رشته محسوب شود، (الاتقان فی علوم القرآن) تألیف جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱) است.

پس از سیوطی علوم قرآنی رو به افول نهاد و به سستی و رکود گرفتار آمد، تا قرن چهاردهم که سرآغاز بیداری مسلمانان و بازگشت به سوی قرآن بود؛ در این عصر همگام با تفسیر، در علوم قرآنی نیز دگرگونی ایجاد شد و در بررسی ابعاد مختلف قرآن آثار نومی پا به عرصه وجود نهاد. آثار سامان یافته در دوران حاضر، از لحاظ فراوانی، نوآوری و عرضه در قالب های جدید، امتیاز ویژه ای بر سده های پیشین دارند و بایسته است این را گامی جدید در سیر علوم قرآن بدانیم؛ هر چند هنوز به نظر می‌رسد که با بایسته ها فاصله زیادی در پیش است؛ در بسیاری از دانش های قرآنی، پژوهش های شایسته ای صورت نگرفته است و رنگ و بوی تقلید و بازنویسی از روی آثار دیگران بویژه سیوطی در بسیاری از نوشته ها به چشم می‌خورد.

یکی از کارهای ارزشمند و بایسته در عصر حاضر احیاء و تحقیق آثار پیشینیان و نشر آن در قالب های نوین و کارآمد بوده است، بی‌گمان اهمیت این امر کمتر از نگارش برخی آثار نیست.

بسیاری از آثار قرآنی سامان یافته در دهه های اخیر، پایان نامه های دانشگاهی بوده که به صورت کتاب انتشار یافته است، یا اساس کار مؤلف در تدوین کتابی که منتشر ساخته، بوده است.

آثار نگاشته شده در عصر حاضر را که به ابعاد مختلف قرآن و علوم مربوط به آن می‌پردازند، به دشواری می‌توان شمارش کرد، ۱۶ برای نمونه به برخی از مهم ترین آنها اشاره می‌کنیم:

* آثار نوشته شده به زبان عربی

- مناهل العرفان فی علوم القرآن، عبدالعظیم زرقانی

- مباحث فی علوم القرآن با همین عنوان از دو نویسنده: صبحی صالح و مناع القطان

- التمهيد في علوم القرآن و آثار ديگری مانند تلخيص التمهيد، صيانة القرآن من التحريف و التفسير و المفسرون في ثوبه القشيب، همگی به قلم استاد محمدهادی معرفت.
- البيان في تفسير القرآن، مرحوم آيت الله سيد ابوالقاسم خويي
- النبأ العظيم، محمد عبدالله دراز
- هدى الفرقان في علوم القرآن، غازي عنایت
- التصوير الفني في القرآن، سيد قطب
- التعبير الفني في القرآن، بكرى شيخ امين
- اعجاز القرآن، مصطفى صادق الرافعي
- الاعجاز البياني، عايشه بنت الشاطي. ترجمه با عنوان اعجاز بياني، از حسين صابري
- المعجزة الكبرى، محمد ابو زهره. ترجمه با عنوان معجزة بزرگ، از محمود ذبيحي
- الظاهرة للقرآنية، مالك بن نبي. ترجمه با عنوان پديده قرآني، از علي حجتى كرمانى
- القرآن الكريم و روايات المدرستين، علامه سيد مرتضى عسكرى
- حقايق هامة حول القرآن الكريم، سيد جعفر مرتضى عاملى. ترجمه با عنوان حقايقى مهم پيرامون قرآن كريم

- دراسات قرآنية، محمد حسين على الصغير
- موجز علوم القرآن، داود العطار
- الحروف المقطعة و بحوث في القرآن الكريم، عبدالجبار حمد شرارة
- علوم القرآن، استاد سيد محمدباقر حكيم
- الموسوعة القرآنية، ابراهيم الابيارى
- مفهوم النص، نصر حامد ابوزيد

* آثار نوشته شده به زبان فارسى

- شناخت قرآن، سيد على كمالى دزفولى. محتويات اين كتاب فراهم آمده از سه كتاب مؤلف به نامهاى : قانون تفسير، تاريخ تفسير و قرآن ثقل اكبر مى باشد.
- قرآن در اسلام، مرحوم علامه سيد محمد حسين طباطبايى
- تاريخ قرآن، دكتور محمود راميار
- پژوهشى در تاريخ قرآن كريم، دكتورسيد محمد باقر حجتى
- علوم قرآنى، آيت الله محمد هادى معرفت
- قرآن پژوهى، قرآن شناخت و دانشنامه قرآن و قرآن پژوهى، همگى از بهاء الدين خرمشاهى
- درسنامه علوم قرآنى، حسين جوان آراسته
- علوم قرآنى، محمد باقر سعيدى روشن
- آشنائى با علوم قرآن، سيد على اصغر حلبى

گونه های نگارش علوم قرآن

آثار نگارش یافته درباره علوم قرآن را به صورت کلی به سه دسته می توان تقسیم کرد: ۱۷

۱. تألیفاتی که در بردارنده مجموعه ای از علوم قرآنی هستند؛ برخی از این آثار به استقصای کامل دانش های قرآنی پرداخته اند، مانند: (البرهان فی علوم القرآن) زرکشی و (الاتقان) سیوطی و تا حدود زیادی کتاب (هدی الفرقان فی علوم القرآن) غازی عنایت؛ و گروهی دیگر شامل آن بخش از این دانش ها می شود که نگارنده گزینش کرده است و در نظر او اهمیت بیشتری داشته اند و با مقصود و گرایش او سازگار بوده اند، از این دسته، کتاب های ذیل را می توان به عنوان نمونه یاد کرد:

مباحث فی علوم القرآن، دکتر صبحی صالح
آراء حول القرآن، آیت الله فانی اصفهانی
مدخل التفسیر، آیت الله فاضل لنکرانی
علوم القرآن، استاد سید محمد باقر حکیم
موجز علوم القرآن، داود العطار

و نیز کتاب التمهید فی علوم القرآن، آیت الله محمد هادی معرفت

۲. تک نگاری ها و کتاب هایی که اختصاص به موضوع معینی دارند، مانند کتاب های فراوانی که در موضوع اعجاز قرآن تدوین شده اند، از قبیل: معترک الاقران فی اعجاز القرآن، جلال الدین سیوطی؛ اعجاز القرآن، مصطفی صادق الرافعی؛ الاعجاز البیانی، عایشه بنت الشاطی و...؛ و نیز کتاب های اسباب نزول یا ناسخ و منسوخ مانند: اسباب النزول دکتر سید محمد باقر حجتی و اسباب النزول واحدی نیشابوری، و الناسخ و المنسوخ نحّاس، و النسخ فی القرآن الکریم دکتر مصطفی زید.

۳. مباحثی که در کتاب های تفسیر آمده است. بسیاری از مفسران به خاطر جنبه مقدمه داشتن علوم قرآن برای تفسیر و اهمیت برخی مباحث آن، در مقدمه یا در متن تفسیرشان گاه به اختصار و گاه به تفصیل به این مباحث پرداخته اند که به نمونه هایی از آن اشاره می شود:

- مقدمه ابن عطیه غرناطی بر تفسیر (المحرر الوجیز) و مقدمه کتاب (المبانی) که آرتور جفری آن دو را تحت عنوان (مقدمتان فی علوم القرآن) منتشر ساخت.

- مقدمه قرطبی در آغاز تفسیر (الجامع لاحکام القرآن)

- مقدمه (روح المعانی) آلوسی

- مقدمه تفسیر قاسمی

- مقدمه علامه محمد جواد بلاغی بر تفسیر آلاء الرحمن

- البیان آیت الله خویی.

- مطالبی که علامه طباطبایی در اثناء تفسیر المیزان مطرح کرده اند. و موارد بسیار دیگری که آنها را جمعی از پژوهشگران دفتر تبلیغات اسلامی، در مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم، با عنوان (علوم القرآن عند المفسرین) در سه مجلد گردآورده اند.

حتی کتاب هایی مانند (الاتقان) و (التمهید) نیز چنان که مؤلفان آنها آورده اند، در آغاز به منظور آن که مقدمه تفسیر باشند نگارش یافته اند.

۱. در این زمینه بنگرید به: قرآن در اسلام، علامه طباطبایی، ۱۰۵ - ۱۱۲؛ نیز: قرآن شناخت، بهاء الدین خرمشاهی، ۱۴ - ۴۴.

۲. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان، ۱ / ۲۰.

۳. همان، ۱ / ۱۷.

درباره حد و حصر این دانش ها نظرات گوناگون و گاه افراطی ارائه شده است، در این زمینه افزون بر منبع یادشده بنگرید به (البرهان فی علوم القرآن) بدرالدین زرکشی، با تحقیق مرعشلی، ۱ / ۱۰۹ و نیز مقدمه تحقیق آن، صفحه ۳۱.

۴. مباحث فی علوم القرآن، صبحی صالح، ۱۰.

۵. مباحث فی علوم القرآن، مناع القطان، ۱۵ - ۱۲.

۶. بنگرید به: فی رحاب القرآن، محمد سالم محیسن، ۲ / ۸؛ محاضرات فی علوم القرآن، نور الدین عتر، ۵.

۷. بنگرید به: علوم القرآن، سید محمد باقر حکیم، ۲۰ - ۲۱ و نیز مناهل العرفان، زرقانی، ۱ / ۲۰ - ۲۱.

۸. در این زمینه بنگرید به: درآمدی بر علوم قرآنی، محمدرضا صالحی کرمانی، ۲۶.

۹. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ۱ / ۳۱.

۱۰. بنگرید به: الاتقان ۴ / ۱۹۹.

۱۱. بنگرید به: مناهل العرفان فی علوم القرآن، ۱ / ۲۶.

۱۲. بنگرید به: المدخل الی علوم القرآن و العلوم الاسلامیة، محمد امین فرشوخ، ۱۰. و نیز مقدمه تحقیق البرهان زرکشی، ۵۴.

۱۳. این کتاب را صبحی صالح در مباحث فی علوم القرآن، صفحه ۱۲۲ یادآور شده و در الفهرست ابن ندیم، صفحه ۲۲۰ نیز آمده است.

۱۴. این کتاب را احمد رضا در مقدمه مجمع البیان یادآوری می کند، ولی بنا بر پژوهش استاد مهدوی راد، این عنوان، تصحیف (الترغیب فی علم المغازی و غلط الرجال) است، ر.ک. مقاله سیر نگارشهای علوم قرآنی، بینات، شماره ۴، صفحه ۹۴.

۱۵. صالحی کرمانی، محمدرضا، درآمدی بر علوم قرآنی، ۸۲ - ۸۴.

۱۶. در این زمینه رجوع کنید به سلسله مقالات سیر نگارش های علوم قرآنی، محمدعلی مهدوی راد که در مجله بینات از شماره ۲ به بعد به چاپ رسیده است.

۱۷. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم، علوم القرآن عند المفسرین، ۱ / ۱۱.